

این هستند که با پیش رویدادهای فرهنگی و هنری بر گزیده‌های هر دوره را مطالعه کنند. مخصوصاً جشنواره جلال که حساسیت آن به سبب کثرت آثار آرسانی و ... دنبال کننده‌های بیشتری دارد و ممکن است برای مخاطب جالب باشد که بدانند چه اثری با چه شاخصه‌ای شایستگی برگزیده شدن را داشته است.

آیا برای انتشار آثار خود به صورت کتاب صوتی در قالب پلتفرم‌های رایج اقدام کرده‌اید؟

این اقدام از وظایف من به عنوان نویسنده نیست، اما در جریان هستم که چند اثر قبلی‌ام در قالب کتاب صوتی نشر داده شده است. که من در جریان مسائل مادی آن نبوده‌ام، چرا که حقوق مادی آن را به ناشر واگذار کرده بودم. مثلاً یکی از رمان‌هایم در قالب نمایش رادیویی انتشار پیدا کرده است اما از طرف ناشر مسئول هیچ اطلاعی به من داده نشده است. با این وجود هر اثری بعد از پایان نگارش و نشر پرونده‌اش برایم بسته می‌شود چرا که وارد فضای داستان و رمان بعدی‌ام می‌شوم به همین دلیل زمان پیگیری و دنبال کردن آثار قبلی‌ام را ندارم، همان طور که پس از پایان نگارش رمان صور مشغول نگارش رمان بعدی‌ام تیگراه (نام باستانی و ساسانی ارون‌رود) شدم. البته سرنوشت آثار برایم مهم هستند، اما می‌دانم اگر خود را درگیر حاشیه‌های نشر کنم از نوشتن فاصله خواهم گرفت به همین دلیل سعی می‌کنم بر اثر بعدی خود متمرکز شوم.

چند ساعت در روز را به نوشتن اختصاص می‌دهید؟

زمان مشخصی ندارد، شاید روزی یک ساعت و روزی دیگر چندین ساعت را به نوشتن مشغول باشم. این مسئله بی‌زمانی طبیعی است، چرا که گاهی واژه‌ها و فضای داستان پشت سرهم در ذهنم سرازیر می‌شوند و گاهی هم هیچ چیز در ذهنم جوشش نمی‌کند.

از آن دست نویسندگانی هستی که برای نوشتن نیاز به خلوت و سکوت دارند؟

قطعا نوشتن در خلوت و سکوت بهتر است، اما این اتفاق هم افتاده است که هم‌زمان در حال صحبت و یا انجام کاری، در ذهن و یا در اوراق چیزهایی را یادداشت می‌کنم و بعدتر همان را تبدیل به یکی از فصل‌های رمان خود کنم.

بعد از نگارش هر اثر، سختی باز نویسی را هم به جان می‌خرید؟

حتماً، اصطلاحی داریم که می‌گوییم داستان نویسی دو مرحله دارد؛ جوششی و کوششی. جوششی همان مرحله اول کار است که متن پشت سرهم بر نویسنده سرازیر می‌شود و کوششی مرحله دوم و اصلی کار که همان باز نویسی است، در مرحله کوششی باید با سخت‌گیری هر چه بیشتر اثر را از هر چه که احساس می‌کنید، اضافه‌گویی یا پرگویی است خالی کنید. مثلاً به یاد دارم که یک‌بار در همین مرحله، دو فصل از رمان خود را حذف کردم.

قبل از چاپ رمان، اثر خود را به نظر سنجی اطرافیان می‌گذارید؟

بله، البته هر ناشر قبل از چاپ هر کتاب، دو کارشناس دارد که با دقت و حوصله، اثر را بررسی می‌کنند. رمان صور، را قبل از اینکه به ناشر ارائه بدهم، برای خوانش اولیه نزد چند تن از دوستان متخصص‌ام در حوزه رمان و داستان بردم و از مشورت‌شان استفاده کردم.

گمانی در جامعه شکل گرفته مبنی بر اینکه در رویدادهای فرهنگی و هنری به آثاری در ایران بها داده می‌شود که با مضمون‌های دینی و ملی خلق شده‌اند، تعبیر شما از این گمانه چیست؟

اگر سیر جایزه جشنواره جلال را بررسی کنیم صادقانه باید بگویم که خیر اینگونه نبوده است، اما شاید در دوره‌ای این گمانه پررنگ، کم‌رنگ و یا به کلی اصلاً نبوده باشد. اما بهر حال وجود این مولفه‌ها قابل انکار نیست چرا که هر رویدادی از همان ابتدا با سیاست‌گذاری خاصی بنا می‌شود و داوری هم از این امر مستثنی نیست، اما این سیاست‌گذاری‌ها بنا به هر سال و هر دوره سیاسی، اجتماعی دچار تغییر و تحول می‌شوند، به همین دلیل باید بگویم در کلیت و سیر جایزه ادبی جلال شاهد برگزیده شدن آثاری بودم که بن‌مایه مضمونی ملی و دینی نداشته و حتی شاید در تضاد با سیاست‌گذاری‌های فرهنگی هم بوده‌اند، ولی حداقلی‌هایی از ضوابط نگارش را رعایت کرده بودند. در کل نمی‌توانم درباره این دوره نظر بدهم چرا که تنها موفق به خوانش ۴ اثر از برگزیده‌ها و شایسته تقدیرها شده‌ام و با این اطلاعات نمی‌توانم رویکرد این دوره را بسنجم.



دید و خوانده نمی‌شوند.

آیا گسترش فضای مجازی و تحولات سبک زندگی عامه مردم بر این مسئله تاثیر گذار نیست؟

حتماً تاثیر داشته و طبیعی است، مشخص است که هر رسانه جدید، با ورودش بخشی از زندگی افراد را اشغال می‌کند. مخصوصاً فضای مجازی که از دسترسی بسیار سهل‌الوصولی برخوردار است و هر شخصی که یک دستگاه موبایل داشته باشد با مبلغ ناچیز خرید اینترنت وارد فضای مجازی می‌شود از سوی دیگر فضای مجازی را با خرید کتاب مقایسه کنید؛ صرف مبلغ بیشتر، دسترسی سخت‌تر و ... بنابراین کتاب برای رقابت با فضای مجازی کارش بسیار سخت است. تاریخ بیانگر این است که مردم ایران بیشتر به دنبال ادبیات شفاهی بوده‌اند تا ادبیات کتبی، وزارت آموزش و پرورش، کودکان و نوجوانان ما را کتاب خوان بار نیاورده‌است دغدغه دانش‌آموزان در طول دوران تحصیل این است که مطلبی را حفظ کند تا نمره‌ای بگیرند و تمام. در واقع از ابتدا طوری بارآمده‌ایم که بیشتر به دنبال حفظی جات بوده‌ایم تا خوانش کتاب! تمام این مسائل دست به دست هم داده‌اند که سنت امروز کتاب و کتابخوانی در ایران هر روز ضعیف و ضعیف‌تر شده است به اضافه اینکه ما کتاب‌های بسیار خوبی در ایران داریم که معرفی و ترویج نشده و به دست خواننده نرسیده است. کم‌اینکه در همین زمان برخی کتاب‌ها هستند که با ترویج و تبلیغ درست چاپ‌های مجدد و متعدد را تجربه کرده‌اند چرا که خوب نگارش و خوب معرفی شده‌اند. بنابراین کتاب خوب اگر خوب معرفی شود مردم آن را می‌خوانند.

جشنواره‌ها و همایش‌های مختلف ادبی چگونه در این معرفی و ترویج تاثیر گذار هستند؟

بی‌تاثیر نیستند، چرا که بخشی از مخاطبان کتابخوان به دنبال

را به برگزیده اهدا می‌کنند. در این دوره رمان صور شایسته تقدیر شد و داوران عنوان کردند که این دوره از جشنواره جلال برگزیده ندارد. این مسئله که داوران هیچ اثری را در یک سال هنری و ادبی ایران برگزیده ندیده‌اند، از نظر من نیاز به آسیب‌شناسی در دو بخش دارد، اول اینکه آیا روند داوری در این چند سال مشکل داشته است؟ و یا زمانی در حد برگزیده شدن نوشته نشده است! و اگر هیچ‌رمانی در این سطح کیفی نیست، چرا؟ این مسئله بسیار مهم است چرا که این داوری با این جمع‌بندی به پیکره داستان نویسی و رمان نویسی ایران ضربه می‌زند. البته تاکید می‌کنم، منظورم به داور نیست نقد من به کلیت داوری است چرا که وقتی صحبت از داوری می‌شود مشخص است مولفه‌هایی در اختیار داوران قرار داده شده که براساس آن معیارها آثار سنجیده شده است. در اینجا آنچه که باید مورد بحث باشد معیارها هستند که ما حاصل‌اش این تصمیم‌گیری و جمع‌بندی‌ها است که نتیجه‌اش می‌شود؛ طرد رمان ایرانی و سوق دادن مخاطب به سوی رمان‌های ترجمه با پیامی به این مضمون که رمان‌های ایرانی به درد نخورده و حتی موفق به کسب جایزه داخلی هم نمی‌شوند. این روند در بلندمدت به رمان و داستان ایرانی ضربه زده و خواهد زد، همان طور که شاهدیم بازار رمان خارجی همیشه داغ‌تر بوده است.

با این حساب نظر کارشناسی شما درباره رمان ایرانی چیست؟

من به عنوان کسی که هم رمان ترجمه و هم رمان داخلی می‌خوانم معتقدم که در ایران رمان‌های خوبی داریم همچنین نویسندگان بسیار خوبی که در حال حاضر نمی‌توانم از تک‌تک آن‌ها اسم ببرم. ولی در طول این سال‌ها برایم واضح است که رمان‌های بسیار خوب و قابل دفاعی هر ساله در ایران روانه بازار نشر می‌شوند. رمان‌هایی که کاملاً منطبق بر فضا و آداب رسوم ایرانی است و برایم تعجب‌آور است که چرا